



www.opexir
mail@opex.ir

اظهار نظر درباره مصوبه شورای رقابت در خصوص اساسنامه نهاد تنظیم کربنخش صنعت نفت، گاز، پتروشیمی و صنایع وابسته (مصوب مردادماه ۱۴۰۰ شورای رقابت)

شناسنامه گزارش:

نویسنده: محمد عظیمزاده آرائی

ناظر: سید حمید حسینی، فریدون اسعدی

تاریخ انتشار: اردیبهشت ۱۴۰۱



مقدمه

بر اساس فصل نهم قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی، شورای رقابت نه تنها صلاحیت تنظیم‌گری بازارهای رقابت‌پذیر را دارد، بلکه به موجب ماده (۵۹)؛ حتی صلاحیت تنظیم‌گری بازارهای رقابت‌ناپذیر (با ویژگی انحصار طبیعی) را نیز دارد. چرا که در این ماده تصریح شده است که شورای رقابت وظایف و اختیارات تنظیمی در حوزه بازارهای با مصداق انحصار طبیعی را می‌تواند به نهاد تنظیم‌گر بخشی واگذار نماید. لذا بر اساس فصل نهم قانون، شورای رقابت تا قبل از واگذاری وظایف و اختیارات تنظیمی خود در بازارهای با ویژگی انحصار طبیعی، به عنوان نهاد تنظیم‌گر بازارهای رقابت‌پذیر و رقابت‌ناپذیر شناخته می‌شود. به عبارت دیگر برخلاف غالب کشورهای نظیر آمریکا که کمیسیون تجارت فدرال و بخش ضد تراست وزارت دادگستری، نهادهای تنظیم‌گر عمومی رقابت (بازارهای رقابت‌پذیر) هستند، تنظیم‌گری بخشی نیز به صورت مجزا از طریق نهادهای متعددی نظیر کمیسیون فدرال تنظیم‌گری انرژی (FERC) صورت می‌پذیرد، در ایران تنظیم‌گری هر دو بازار (رقابت‌پذیر و رقابت‌ناپذیر) توسط یک نهاد تنظیم‌گر (شورای رقابت) انجام می‌شود.

البته قانون‌گذار در ماده (۵۹)، به درستی نسبت به این موضوع اشراف داشته است که سپردن تمام امور تنظیم‌گری در تمام بازارها اعم از رقابت‌پذیر و رقابت‌ناپذیر نیاز به نهادهای دیگری علاوه بر شورای رقابت دارد، زیرا مواردی نظیر ساختار بازار، نوع انحصار، میزان تمرکز بازار و ابعاد فنی مرتبط با رقابت در هر بخش دارای انحصار طبیعی متفاوت از سایر بخش‌ها است و این نیازمند نهادی متخصص و صاحب‌نظر در بخش مورد نظر است و بدون شک، این شورا قادر نخواهد بود به تمام امور تنظیم‌گری در تمام بخش‌های رقابت‌ناپذیر نظیر برق، گاز، مخابرات و حمل و نقل رسیدگی کند. به عنوان مثال در متن صورتجلسه ۳۶۹ شورای رقابت مورخ ۱۳/۱۲/۱۳۹۷ که در خصوص بررسی بازار برق بوده است، نیز آمده است که «از آنجا که وجود و تأسیس نهاد مستقل تنظیم‌گر بخشی می‌تواند اینگونه مباحث و اختلاف نظرها را به نحو مناسب و تخصصی رفع کند، لذا اعضای شورا در اولویت اول بر ضرورت تشکیل نهاد مستقل تنظیم‌گر بخش برق تأکید و خواستار تسریع در فرآیند تصویب نهاد تنظیم‌گر بخش برق ارسالی به هیات دولت می‌باشند». بنابراین، قانون‌گذار از طریق ماده ۵۹ خواسته تا به تدریج، شورای رقابت وظایف و اختیارات تنظیمی خود را در بازارهای با ویژگی انحصار طبیعی (رقابت‌ناپذیر) را به نهادهای تنظیم‌گر بخشی

^۱ در این ماده اینگونه آمده است: «شورای رقابت می‌تواند در حوزه کالا یا خدمتی خاص که بازار آن مصداق انحصار طبیعی است، پیشنهاد تشکیل نهاد تنظیم‌کننده بخشی را برای تصویب به هیأت وزیران ارائه و قسمتی از وظایف و اختیارات تنظیمی خود در حوزه مزبور را به نهاد تنظیم‌کننده بخشی واگذار نماید»



واگذار کند و در نهایت این شورا به عنوان نهاد تنظیم‌گر عمومی رقابت (بازارهای رقابت‌پذیر) نظیر کمیسیون تجارت فدرال آمریکا به فعالیت بپردازد.

به رغم ضرورت ایجاد نهادهای تنظیم‌گر بخشی مبتنی بر ماده (۵۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، بعد از گذشت بیش از یک دهه هنوز هیچ نهاد تنظیم‌گر بخشی ایجاد نشده است. یکی از مهم‌ترین دلایل عدم موفقیت شورای رقابت در ایجاد نهادهای تنظیم‌گر بخشی، به عدم تمایل وزاتخانه‌ها برمی‌گردد که حاضر نیستند وظایف و اختیارات قانونی خود در حیطه‌ی تنظیم‌گری را به نهاد دیگری واگذار نمایند. به همین خاطر، در سال ۱۳۹۵ به رغم تدوین اساسنامه‌ی پیشنهادی نهاد تنظیم‌گر در دو حوزه برق و نفت، گاز و پتروشیمی توسط شورای رقابت، در نهایت در هیأت دولت، مورد موافقت قرار نگرفت. چنین روندی منجر به این شد تا در سال ۱۳۹۷ ماده (۵۹) مورد اصلاح و بازبینی قرار گیرد. تغییرات این ماده به شرح زیر است:

بررسی تغییرات مربوط به ماده (۵۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی^۲

الف) گستره اختیارات شورای رقابت در ایجاد نهادهای تنظیم‌گر بخشی

تا قبل از اصلاح قانون در سال ۱۳۹۷، شورای رقابت صرفاً در مورد حوزه‌های انحصار طبیعی اجازه پیشنهاد تشکیل نهادهای تنظیم‌گر بخشی را داشت، اما بر اساس اصلاحیه موجود، این اختیار به کلیه بخش‌های انحصاری توسعه داده شده است. به موجب این ماده قانونی «شورای رقابت مکلف است در حوزه کالاها و خدماتی که بازار آنها به تشخیص این شورا مصداق انحصار بوده و نیازمند تأسیس نهاد مستقل (تنظیم‌گر) است، پیشنهاد تأسیس و اساسنامه نهاد (تنظیم‌گر بخشی) را به دولت ارسال نماید.»

ب) تکلیف شورای رقابت در خصوص پیشنهاد تأسیس و تهیه اساسنامه نهادهای تنظیم‌گر بخشی

در نسخه قبلی قانون، شورای رقابت در تشکیل نهادهای تنظیم‌گر بخشی دارای اختیار بود، اما در قانون اصلاحی، این «اختیار» به «تکلیف» تبدیل شده است.

ج) تغییر مرجع نهایی تصویب اساسنامه نهادهای تنظیم‌گر از هیئت دولت به مجلس شورای اسلامی

در نسخه قبلی قانون، هیئت وزیران مرجع نهایی رسیدگی و تصویب پیشنهادهای شورای رقابت بوده است و از آنجایی که اختیار تأسیس این نهادها به دولت داده شده بود و در عین حال تکلیفی برای آن تعیین نشده بود، تأسیس این نهادها با مشکل مواجه شده بود. این در حالی است که در قانون اصلاحی، با توجه به عبارت «تأسیس

^۲ از سال ۱۳۸۷ که قانون سیاست‌های کلی اصل (۴۴) قانون اساسی در کشور اجرا شد، یکی از بخش‌های اصلی این قانون، "فصل نهم" آن است که تحت عنوان "منع انحصار و تسهیل رقابت" می‌باشد. در ماده (۵۹) این قانون، شورای رقابت مکلف شد در حوزه کالاها و خدماتی که مصداق انحصار وجود دارد، پیشنهاد تأسیس و اساسنامه آن را به دولت ارسال کند. به‌رغم گذشت ده سال از تصویب و اجرای این حکم، تا سال ۱۳۹۷ حکم مذکور اجرا نشده است تا این که در ۱۳۹۷/۳/۲۲ قانون اصلاح قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی تصویب شد و مواد (۷) و (۸) قانون مذکور جایگزین ماده (۵۹) شد.



نهادهای تنظیم‌گر تنها به موجب قانون امکان‌پذیر خواهد بود»، مجلس شورای اسلامی، مرجع نهایی تصویب این‌گونه نهادها خواهد بود.

د) اهمیت قائل‌شدن نسبت به ویژگی استقلال مالی نهادهای تنظیم‌گر

در قانون اصلاحی، بودجه و اعتبارات نهاد تنظیم‌گر بخشی به‌گونه‌ای است که دولت از اشخاص حقوقی تحت تنظیم، عوارضی را دریافت می‌کند و با رعایت قوانین مربوطه، به عنوان درآمد اختصاصی هریک از نهادهای تنظیم‌گر بخشی اختصاص می‌دهد. به عبارت دیگر، زمینه برای استقلال مالی نهادهای تنظیم‌گر نسبت به بودجه دولتی فراهم شده است.

پس از اصلاح ماده ۵۹، اساسنامه نهاد تنظیم‌گر برق در سال ۱۳۹۷ دو بار توسط شورای رقابت با مشارکت تمامی ذی‌نفعان، تدوین و پس از تصویب در هیئت دولت به مجلس شورای اسلامی ارسال شد. با شروع دولت سیزدهم، موضوع استرداد لایحه نهاد تنظیم‌گر بخش برق در روزهای نخستین این دولت از مجلس شورای اسلامی مورد موافقت اعضای هیئت دولت قرار گرفت و این بار نیز ایجاد نهاد تنظیم‌گر بخشی راه به جایی نبرد و به نحوی متوقف شد.

پس از عدم موفقیت شورای رقابت در ایجاد نهاد تنظیم‌گر برق، موضوع ایجاد «نهاد تنظیم‌گر بخش نفت، گاز، پتروشیمی و صنایع وابسته» در دستور کار این شورا قرار گرفت و در ۱۴۷۴ امین جلسه شورای رقابت مورخ ۱۴۰۰/۵/۱۸، اساسنامه نهاد مذکور به تصویب این شورا رسید و برای تبدیل به قانون شدن، نیاز است تا ابتدا این اساسنامه در هیئت دولت تصویب و سپس در قالب لایحه به مجلس شورای اسلامی ارسال شود. در ادامه به بیان برخی نقدها که به اساسنامه مذکور وارد است، پرداخته خواهد شد. بدون شک بیان این نقدها، به معنی نادیده‌گرفتن محاسن و نقاط قوت این اساسنامه نیست.

اظهار نظر درباره مصوبه شورای رقابت در خصوص اساسنامه نهاد تنظیم‌گر بخش نفت، گاز، پتروشیمی و صنایع وابسته

الف) در حال حاضر، مدیریت امور تنظیم‌گری در حوزه‌های نفت، گاز، پتروشیمی و صنایع وابسته به واسطه‌ی بخش‌های مختلف توسط در وزارت نفت و با همکاری شرکت ملی نفت ایران، شرکت ملی گاز ایران، شرکت ملی صنایع پتروشیمی ایران و دیگر شرکت‌های تابعه صورت می‌گیرد.

بر اساس عنوان این اساسنامه، «اساسنامه نفت، گاز و صنایع مرتبط و وابسته» و نیز بر مبنای تعریف ارائه شده در ماده (۱) آن، قرار است به تنظیم‌گری تمام فعالیت‌های صنعت نفت و گاز به جز بخش بالادستی پرداخته شود. هر



یک از این فعالیت‌ها، ویژگی‌هایی دارند که متفاوت از سایر فعالیت‌ها هستند و واگذاری امور تنظیم‌گری تمامی این فعالیت‌ها به یک نهاد تنظیم‌گر، اقدام درستی به نظر نمی‌رسد.

همچنین، در بسیاری از کشورها به دلیل شباهت‌های بسیار زیاد برق و گاز از منظر شبکه‌ای و انحصار طبیعی، تنظیم‌گری امور گاز به بخشی واگذار می‌شود که بخش برق را نیز تنظیم‌گری می‌کند و لذا تنظیم‌گری حوزه گاز - که متفاوت از سایر فعالیت‌ها نظیر پتروشیمی و پالایش است - به این نهاد تنظیم‌گر صحیح به نظر نمی‌رسد. در وضعیت فعلی، مختصات فعالیت‌های مشابه نظیر پتروشیمی و پالایش نیز در ایران بسیار از یکدیگر متفاوت است. به عنوان مثال، تعداد بازیگران زیاد در بخش پتروشیمی و تعداد کم بازیگران در بخش پالایش، مالکیت خصوصی و خصولتی در پتروشیمی و مالکیت تقریباً دولتی در پالایش و تنوع بسیار زیاد فرآورده در پتروشیمی و تنوع کم فرآورده در پالایش، سبب می‌شود که حتی در این دو فعالیت نسبتاً مشابه هم، حداقل در مراحل اولیه، دو نهاد تنظیم‌گر طراحی شود و به تدریج در یکدیگر ادغام شوند.

ب) در ماده (۴) مصوبه شورا، (۹) مورد از وظایف و اختیارات این نهاد مورد توجه قرار گرفته است. فارغ از تجزیه و تحلیل هر یک از این وظایف و اختیارات، آنچه در حال حاضر اهمیت دارد، سازوکار انتقال این وظایف و اختیارات از وزارتخانه‌های مرتبط به نهاد مذکور است. موضوعی که در این اساسنامه، به آن توجهی نشده است. به عبارت دیگر، ایجاد نهاد تنظیم‌گر مستقل در صنعت نفت و گاز، تا زمانی که کماکان طبق اسناد بالادستی و به ویژه قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، پاسخگویی با وزارتخانه‌ی ذیربط است، امکان‌پذیر نخواهد بود. به عبارت دیگر، در ایران نه تنها وزیر نفت بلکه تمام وزراء حاضر نیستند که فقط اختیارات آن‌ها در حوزه‌ی تنظیم‌گری به نهادهای تنظیم‌گر منتقل شود ولی در عین حال پاسخگویی از طریق مجلس تنها متوجه وزیر مربوطه باشد و حتی ممکن است وزیر به خاطر تصمیمی که به طور مستقیم متوجه دستگاه اجرایی خودش نبوده است، از طرف مجلس استیضاح شود. با توجه به اینکه، نهادهای تنظیم‌گر در قالب شورا با ترکیبی از اعضای دولتی و غیردولتی تشکیل می‌شوند، تصمیم اتخاذ شده توسط این نهادها منسوب به تمامی این افراد است، لذا در صورتی که آراء یا تصمیم‌های این شورا با اعتراض مواجه شود، مجلس توانایی نظارت نخواهد داشت. بنابراین لازم است برای ورود چنین نهادهایی به عرصه حکمرانی کشور، در ابتدا اصلاحات لازم در قوانین صورت گیرد و اگر اختیاراتی از وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی به نهادهای تنظیم‌گر منتقل می‌شود، به همین ترتیب مسئولیت‌ها نیز در این حوزه از وزیر مربوطه گرفته شود و با مکانیزمی به این نهادها منتقل شود. در صورتی که تمهیدات لازم برای این موضوع صورت نگرفته باشد، به رغم تصویب قانون اساسنامه مذکور در مجلس و به دنبال آن ایجاد نهاد تنظیم‌گر، نه تنها مشکلی حل خواهد شد، بلکه از فردای تشکیل این نهاد، آغاز اختلاف و چالش میان وزارت نفت با این نهاد خواهد بود.



ج) به موجب بند «ب» تبصره (۲) ماده (۵۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، علاوه بر حضور نمایندگان دولتی دستگاه‌های اجرایی و صاحب‌نظران حقوقی و اقتصادی، نمایندگان غیر دولتی نیز در این نهاد عضویت خواهند داشت. حضور نمایندگان غیردولتی در این نهاد، نباید اینگونه تعبیر شود که نهاد تنظیم‌گر بخشی، مجمع ذی نفعان است و لذا هر صنف و اتحادیه‌ای باید تمام تلاش خود را انجام دهد تا بتواند سهمی در ترکیب این نهاد داشته باشد. به عبارت دیگر، نهاد تنظیم‌گر مجموعه‌ای متخصص است تا بتوانند به صورت مستقل و به دور از فشارهای دولتی‌ها و غیردولتی‌ها، به امور تنظیم‌گری بپردازند. با توجه به این مطلب، به موجب ماده (۲) اساسنامه مذکور، فارغ از زوج بودن تعداد اعضا (۱۲ نفر)، که در هر حال مکانیزم رأی‌گیری را به هنگام اتخاذ تصمیم‌ها با مشکل مواجه می‌نماید و در اغلب نهادهای تنظیم‌گر، تعداد اعضاء، عددی فرد است، سازوکار انتخاب نمایندگان دولتی و نمایندگان غیردولتی نیز مشخص نیست. به عنوان مثال، اگر بر اساس ماده (۸) این قانون، قرار است تمامی مصوبات این نهاد توسط شورا نظارت شود، دیگر چه لزومی دارد تا دو عضو این نهاد از طرف شورای رقابت انتخاب و به عنوان عضو، حضور داشته باشند.

به جز دو عضو قاضی که طبق قانون توسط رئیس قوه قضائیه انتخاب می‌شوند و حتماً باید در این نهاد، عضویت داشته باشند، منطق انتخاب ۱۰ عضو باقی‌مانده با ترکیب (سه عضو با انتخاب دولت «وزیر نفت و وزیر صمت»، دو عضو با انتخاب شورای رقابت و پنج عضو با انتخاب نهادهای غیر دولتی «اتاق بازرگانی، اتاق تعاون، انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پالایش نفت، انجمن صنفی کارفرمایی صنعت پتروشیمی و فدراسیون صنعت نفت ایران») مشخص نیست. این ترکیب بیشتر بیانگر این است که نهاد تنظیم‌گر به مثابه‌ی مجمع‌ذی نفعانی در نظر گرفته شده است تا بتواند به نوعی همه را در حوزه تنظیم‌گری نفت، گاز، پالایش و پتروشیمی سهمیم نماید و همین ویژگی، از اساس با ماهیت مستقل و تخصصی اینگونه نهادها همخوانی ندارد. هر چند به نظر می‌رسد، تدوین‌کنندگان اساسنامه مذکور حتی با این نگاه هم نتوانسته‌اند، تمامی ذی‌نفعان را پوشش دهند. زیرا هیچ نماینده یا صاحب‌نظری غیردولتی از بخش «صنایع وابسته» با توجه به عنوان این اساسنامه، در این ترکیب حضور ندارد.

هر چند با تغییرات صورت گرفته در ماده (۵۹) تلاش شده تا نهادهای تنظیم‌گر بخشی مستقل شکل بگیرند ولی به نظر می‌رسد هنوز موانعی به شرح زیر، برای ایجاد چنین نهادهایی به ویژه در بخش‌های نفت، گاز، پتروشیمی و صنایع وابسته وجود دارد:

- تجربه کشورهای پیشرو و غالب کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که ایجاد نهادهای تنظیم‌گر مستقل، به صورت یکباره اتفاق نیافتاده است و نیاز دارد تا به تدریج و به مرور زمان، این فرایند طی شود. به عنوان مثال در کشورهایی نظیر انگلستان و ترکیه، تاکنون نتوانسته‌اند نهادهای تنظیم‌گر مستقلی را طراحی کنند و لذا در این



کشورها هنوز وزارتخانه‌ها در بسیاری از امور تنظیم‌گری مداخله می‌کنند. حتی در آمریکا، نیز استقلال نهاد تنظیم‌گر به تدریج و مرور زمان اتفاق افتاده است. به عنوان مثال، هر چند نهاد تنظیم‌گر انرژی فدرال در سال ۱۹۷۷ در این کشور، ایجاد شد ولی تا سال ۱۹۸۸ به لحاظ مالی وابسته به دولت فدرال بود و از آن سال به بعد، به لحاظ مالی مستقل شد.

- همان‌گونه که قبلاً نیز بیان شد ایجاد نهاد تنظیم‌گر مستقل در صنعت نفت و گاز، تا زمانی که کماکان طبق اسناد بالادستی و به ویژه قانون وظایف و اختیارات وزارت نفت، پاسخگویی با وزارتخانه‌ی ذیربط است، امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین لازم است برای ورود چنین نهادهایی به عرصه حکمرانی کشور، در ابتدا اصلاحات لازم در قوانین صورت گیرد و اگر اختیاراتی از وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی به نهادهای تنظیم‌گر منتقل می‌شود، به همین ترتیب مسئولیت‌ها نیز در این حوزه از وزیر مربوطه گرفته شود و با مکانیزمی به این نهادها منتقل شود.

- ماده (۵۹) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که بر اساس این ماده، نهاد تنظیم‌گر بخشی شکل می‌گیرد، به صورت برون‌زا و فارغ از ایجاد تغییرات ماهوی در قوانین اصلی، در صدد شکل‌گیری نهاد تنظیم‌گر بخشی است در حالیکه در غالب کشورها، خاستگاه ایجاد چنین نهادهایی، قوانین مرتبط با همان صنعت است. به عنوان مثال، در آمریکا ساختار و وظایف نهاد تنظیم‌گر انرژی فدرال در خود قانون سازماندهی وزارت انرژی در سال ۱۹۷۷ و در رومانی، مقام تنظیم‌گری انرژی رومانی در قانون گاز و برق در سال ۲۰۰۳ این کشور، تعبیه شده است. برخی از عناوین قوانین مرتبط با تشکیل نهادهای تنظیم‌گر حوزه انرژی، در جدول زیر آمده است



عناوین قوانین مادر مرتبط با تشکیل نهادهای تنظیم‌گر

کشور	عنوان نهاد تنظیم‌گر	عنوان قانون مادر	سال
آمریکا	نهاد تنظیم‌گر انرژی فدرال	قانون سازماندهی وزارت انرژی	۱۹۷۷
ترکیه	مقام تنظیم‌گری بازار انرژی ^۳	قانون بازار برق ^۴ ، قانون بازار گاز طبیعی، ^۵ قانون بازار نفت ^۶	۲۰۰۱
هند	کمیسیون تنظیم‌گری برق مرکزی ^۷	قانون برق ^۸	۲۰۰۳
پاکستان	مقام تنظیم‌گری برق ملی ^۹	قانون تولید، انتقال و توزیع برق ^{۱۰}	۱۹۹۷
رومانی	مقام تنظیم‌گری انرژی رومانی ^{۱۱}	قانون گاز و برق ^{۱۲}	۲۰۰۳
اردن	کمیسیون تنظیم‌گری مواد معدنی و انرژی ^{۱۳}	قانون برق عمومی ^{۱۴}	۲۰۰۲

منبع: یافته‌های پژوهش

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در حال حاضر مسئولیت امور تنظیم‌گری در حوزه نفت، گاز و پتروشیمی بر عهده وزارت نفت و شرکتهای تابعه آن قرار دارد که این موضوع می‌تواند با اصل تنظیم‌گری و رعایت اصول شفافیت، تعارض و تضاد منافع مغایرت داشته باشد. با توجه به تأکید قانون‌گذار در ایجاد و تأسیس چنین نهادی، متأسفانه این نهاد شکل نگرفته است تا این که مصوبه شورای رقابت در خصوص "نهاد تنظیم‌گر بخش نفت، گاز، پتروشیمی و صنایع وابسته" در مردادماه سال ۱۴۰۰ تهیه و تنظیم شد و برای بررسی به هیئت وزیران ارسال شد. مصوبه مذکور دارای برخی ایرادهای جدی است که توضیحات تفصیلی آن در متن ارائه شده است. نکته بسیار مهم این است که برای اصلاح مصوبه ارسال شده حتماً باید آن ایرادات برطرف شود.

³ Energy Market Regulatory Authority (EMRA)

⁴ Electricity Market Law No. 6446

⁵ Natural Gas Market Law No. 4646

⁶ Petroleum Market Law No. 5015

⁷ Central Electricity Regulatory Commission

⁸ Electricity Act

⁹ National Electric Power Regulatory Authority

¹⁰ Regulation of Generation, Transmission and Distribution of Electric Power Act

¹¹ Romanian Energy Regulatory Authority (ANRE)

¹² Electricity and Gas Law no. 423/2012

¹³ Energy and Mineral Regulatory Commission (EMRC)

¹⁴ General Electricity Law



یکی از آن نکات قابل تأمل این است که آنچه در ماده (۲) آمده است، تعداد افراد پیشنهادی زوج است که رأی-گیری را دچار اشکال می‌کند. همچنین ترکیبی که در آن ماده آمده است، بیان‌کننده مجمع ذی‌نفعان است که استقلال نهاد تنظیم‌گر را دچار اشکال می‌کند. ضمن این که مکانیسم انتخاب افراد و تشکل‌های اشاره شده در این ماده روشن و مشخص نیست.

نکته بسیار مهم دیگر این است که تاکنون یکسری وظایف و اختیارات بر عهده‌ی وزارت نفت و شرکتهای تابعه آن بوده است و قرار است از این به بعد، این وظایف و اختیارات به نهاد دیگری واگذار شود. طبیعی است که باید ابتدا همان قانونی که آن وظایف و اختیارات را واگذار کرده است، مورد بازنگری قرار گیرد تا اینکه در کنار همان قانون، اساسنامه نهاد تنظیم‌گری به صورت مستقل از آن قانون به موجب "قانون اصلاح قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی" مصوب ۱۳۹۷/۳/۲۲ ماده (۵۹) اصلاح شد، مقرر گردد، تأسیس شود. با این سازوکار پیشنهادی نه تنها، نهاد تنظیم‌گر مستقلی شکل نخواهد گرفت بلکه سرآغاز اختلافات میان این نهاد و وزارتخانه‌ی ذیربط به واسطه‌ی هم‌پوشانی وظایف و اختیارات خواهد بود.